

## ■ رقبا چه کسانی بودند؟

رقابت اصلی در این انتخابات که در آخرین سال جنگ تحمیلی برگزار شد، هفت گروه و تشکل مهم در انتخابات مجلس سوم به رقابت پرداختند که عبارت بودند از: جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز، دفتر تحکیم وحدت، خانه کارگر، انجمن اسلامی معلمان ایران، انجمن اسلامی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و انجمن اسلامی مدرّسین دانشگاه‌ها. در زمان انتخابات سه تشکل دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی معلمان ایران و خانه کارگر با هم ائتلاف مستضعفین و محرومین را شکل دادند که از نظر طرز تفکر و خط مشی به مجمع روحانیون مبارز نزدیک بود. و کاندیداهای این ائتلاف در ۲۵ مورد با فهرست روحانیون مبارز مشترک بود در حالی که با فهرست روحانیت مبارز تهران تنها در ۹ مورد اشتراک داشت. با توجه به فضای تبلیغاتی حاکم بر انتخابات و شعارهای عدالت خواهانه، مساوات جوانیه و دفاع از محرومین و مستضعفان که از طرف مجمع روحانیون مبارز داده شد، باعث شد جناح چپ پیروز انتخابات باشد. به طوری که تقریباً دو سوم کرسی‌های مجلس سوم را نیروهای متمایل به جناح چپ، به دست آوردند. بنابراین ترکیب این مجلس عمدتاً متعلق به جناح چپ (سنتی) که مجمع روحانیون مبارز در رأس آن قرار داشت، بود. جناح راست هم توانست در کل کشور ۱۰۰ نماینده را به مجلس دوره سوم بفرستد که یک اقلیت ۱۰۰ نفری را در مجلس تشکیل داد. این بار هم منتقدان حاکمیت حضوری در رقابت‌ها نداشتند و فقط نهضت آزادی ایران بود که برخلاف مجلس دوم اعلام کرد که در انتخابات شرکت خواهد کرد. علی‌اکبر محتشمی‌پور، وزیر کشور نامه‌ای به امام خمینی نوشت و درباره شرکت نهضت آزادی در انتخابات سؤال کرد. امام خمینی در بهمن ۱۳۶۶ در پاسخ، بعد از یادآوری سوابق و عملکرد نهضت آزادی، شرکت آنان در انتخابات و سایر امور کشور را رد و اعلام کرد نهضت آزادی برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی صلاحیت ندارند. رسول منتجب‌نیا در این باره می‌گوید: «آنچه پس از رحلت امام منتشر و نقل شد در زمان حیات امام وجود نداشت و این مسأله از زمانی منتشر شد که نامه امام به آقای محتشمی‌پور، منتشر شد که این نامه بارها مورد جرح و تعدیل قرار گرفت که برخی شبهاتی به آن وارد کردند. مقصود این است که در زمان حیات امام برخورد تندی با نهضت آزادی نمی‌شد.»

## ■ کدام اختلاف؟

در آستانه مجلس سوم و هنگامی که جامعه روحانیت مبارز اقدام به تهیه لیستی از کاندیداهای پیشنهادی برای مجلس نمود اختلافات قبلی بین آنان تشدید شد. ریشه این اختلافات در نگرش‌های این گروه‌ها بود که درباره مسائلی همچون میزان نقش دولت در اقتصاد، بحث فقه پویا و فقه سنتی، نحوه نگرش به ولایت فقیه و اختیارات وی و... بود به طوری که جریان مخالف دولت موسوی که اکثریت را در جامعه روحانیت مبارز تشکیل می‌داد مایل به کاندیدا کردن نیروهای غیرمفکر خود نبودند و به همین دلیل روحانیون اقلیت که از سیاست‌های دولت موسوی حمایت می‌کردند احساس کردند که توسط اکثریت کنار گذاشته می‌شوند و به همین دلیل اقدام به انشعاب کردند. در واقع روحانیون مبارز ادامه طیف جریان چپ در کشور بودند که از فقه پویا و لزوم

استفاده از احکام ثانویه و حکومتی بر اساس مصلحت برای رفع مشکلات کشور و باتأکید بر عدالت اجتماعی از افزایش نقش دولت در اقتصاد و امور اجتماعی و سیاست‌های دولت موسوی حمایت می‌کردند. در واقع اختلافات عمده مجمع و جامعه روحانیون مبارز بر سر مسائل اقتصادی و روابط خارجی بود و بعضاً هنگام تصویب برخی از قوانین مانند طرح تثبیت تعداد کاندیداها در هر انتخابات بشدت مقابل همدیگر قرار می‌گرفتند. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ هشت ساله، عزل آیت‌الله منتظری از قائم مقامی رهبری، ارتحال امام خمینی، بازنگری در

قانون اساسی و ادغام ریاست جمهوری و نخست‌وزیری از حوادث مهم این دوره و سازندگی ویرانه‌های جنگ، ذهن مشغولی این دوره از مجلس بود.

علاوه بر اختلاف مجمع و جامعه روحانیون مبارز، یکی از مهم‌ترین چالش‌های انتخابات مجلس سوم، اختلاف بین هیأت اجرایی و هیأت نظارت بود که به دعوی ابطال صندوق‌ها در برخی حوزه‌ها منجر شد. دعوی وزیر کشور، محتشمی‌پور روحانی چپ‌گرا با شورای نگهبان در مورد بازشماری آرا و در نهایت دخالت امام خمینی و تشکیل هیأتی برای بررسی دوباره صندوق‌ها، رای به صحت انتخابات داده شد. منازعه‌ای که حتی به استعفاي اعتراضی لطف‌الله صافی گلی‌ایگانی از شورای نگهبان پس از هشت سال دبیری این شور منجر شد و در نهایت چالش بین اختیارات وزارت کشور و شورای نگهبان ادامه پیدا کرد. مرتضی الیوری درباره این مجلس می‌گوید: «اتفاق جالبی که در مجلس سوم رخ داد این بود که برنامه اول توسعه با دیدگاه اقتصادی باز در یک مجلس چپ به تصویب رسید. یک فاصله زمانی بین پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ تا اجرای آن وجود داشت. در این فاصله زمانی عراق برای اینکه بتواند قدرت چانه‌زنی را بیشتر کند حملات خویش را شدت بخشید، به همین دلیل اکثر نمایندگان مجلس عمدتاً به سمت جبهه‌ها حرکت کردند. کاملاً واضح بود که قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته خواهد شد. من خدمت آقای هاشمی، رئیس مجلس رفتم و گفتم که برنامه اول توسعه به دلیل جنگ عقب افتاده است. اگر شمارنامه را قبول دارید، دستور دهید اعضای کمیسیون برنامه بودجه از جبهه‌ها برگردند تا بلافاصله بعد از پذیرش قطعنامه، برنامه کلید بخورد. آقای هاشمی دستور دادند و اعضای کمیسیون برگشتند و اولین برنامه توسعه در نیمه دوم سال ۶۷ به تصویب رسید و در سال ۶۸ عملیات اجرایی آن آغاز شد و به برکت همان برنامه بالاترین رشد اقتصادی در سال‌های اول اجرای آن رقم خورد. به دلیل چرخشی که در این برنامه به وجود آمده بود، زمینه برای فعالیت‌های اقتصاد باز فراهم نبود؛ در کل فضای جریان چپ همچنان فضای اقتصاد دوران جنگ در دولت آقای میرحسین موسوی بود و تصور می‌کردند که بایستی اقتصاد حاکم بر برنامه اول نیز به همان صورت طبق الگوهای انقباضی پیش رود؛ اما به دلیل فعالیت‌های گسترده مرحوم دکتر نوربخش و اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس از جمله آقایان اسحاق جهانگیری و علی عبدالعلی زاده برنامه اول تصویب شد. هم‌اکنون اگر به سایر برنامه‌های توسعه که بعد از انقلاب تصویب شده است مراجعه کنیم، می‌بینیم بالاترین میزان رشد اقتصادی با رشد ۹.۷ درصد در برنامه اول توسعه رقم زده شد.»

## ■ راست علیه چپ

شروع این مجلس اگر چه اوج اقتدار مجمع روحانیون مبارز و طیف نزدیک به آن بود اما پایان مجلس، آغاز ضعف و به حاشیه راندن آنها از قدرت سیاسی بود. آنها با حمایت امام متشکل شده و قدرت گرفته بودند. طیف چپ فکری کرد شرایط چون گذشته است، اما بعد از رحلت امام شرایط به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. حسین مرعشی می‌گوید: «طیف چپ متوجه نبود که سوار کشتی‌ای است که سازنده آن از دنیا رفته است. آنها فکری می‌کردند پیش‌برنده کشتی خود آنها هستند و غافل بودند که حرکت این کشتی ناشی از انرژی است که پیش‌تر بدان وارد شده است. در مجموع مجلس سوم نسبت به رهبری زاویه داشت و در جلسات شبانه انتقاداتی به رهبری وارد می‌کردند و در صحن علنی منتقد دولت بودند.» شاید استیضاح دکتر فاضل و نجفی در این راستا باشد. من در آستانه انتخابات مجلس چهارم و دوره‌ای که استانداری کرمان بودم یک شب به دیدار آقای هاشمی رفتم؛ در آن دیدار درباره اوضاع کشور بحث می‌کردیم؛ ایشان از من پرسیدند، دوستان چپ شمار رهبری را با خود ندارند؛ اگر با دولت همکاری نکنند، با چه پشتوانه‌ای می‌خواهند ادامه دهند؟!... تشخیص ما این بود که جناح راست از قبل با آیت‌الله خامنه‌ای ارتباط داشته و پس از رهبری ایشان، قدرت و ارتباط آنها افزایش یافته، از طرف دیگر آقای هاشمی در گذشته ارتباط خوبی با جناح چپ داشته و از طرف امام مأمور حل کردن مسائل دولت مهندس موسوی می‌شده و به رای اعتماد و زار هم کمک می‌کرده است؛ حال که امام نیست فرصت خوبی است که پیوند جناح چپ و آقای هاشمی تقویت شود اما آقای هاشمیان (نایب رئیس مجلس و خویشاوند آقای هاشمی) مخالفت کردند. من این موضوع را ناشی از غرور جناح چپ در آن مقطع می‌دانم.» اما زمانی که هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری رسید (۶ مرداد ۶۸) دولت و مجلس مقابل هم قرار گرفتند. بعد از رحلت امام خمینی و انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به مقام رهبری، انتخاب پنجمین دوره ریاست جمهوری برگزار شد و هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شد. هیأت وزیران برای اخذ رأی اعتماد در جلسه ۱۳۲ مجلس